

دکتر دیو متیوسون، آمدن او کجاست؟ جلسه ۲، تأخیر پاروسیا در آموزه‌های عیسی

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر دیوید متیوسون در تدریس خود در مورد این سوال است که آمدن او کجاست؟ جلسه ۲، تأخیر پاروسیا در آموزه‌های عیسی.

بنابراین، در سخنرانی آخر، ما شروع به بررسی انجیل‌ها، به ویژه آموزه‌ها و گفته‌های عیسی، کردیم، زیرا آنها به موضوع تأخیر پاروسیا مربوط می‌شوند. و گفتیم که تعدادی گفته در انجیل‌ها وجود دارد که به نظر می‌رسد نشان می‌دهد که عیسی ممکن است فکر می‌کرده است که در پایان جهان که در طول زندگی او خواهد آمد، باز خواهد گشت.

و ما می‌خواهیم حداقل برخی از آنها را بررسی کنیم. یک دسته از گفته‌ها را که قبلاً بررسی کردیم، و آن گفته‌ای است که در آغاز خدمت عیسی در بزرگسالی در هر یک از سه انجیل هم‌نوا، متی، مرقس و لوقا، آمده است. به این مضمون که عیسی می‌گوید، زمان نزدیک است و پادشاهی خدا، یا زمان نزدیک است، پادشاهی خدا نزدیک است، پس برای بخشش گناهان توبه کنید.

ما پیشنهاد کردیم که آموزه‌های عیسی در مورد نزدیکی پادشاهی به این معنی نیست که عیسی فکر می‌کرد پایان جهان خیلی زود در طول زندگی او اتفاق خواهد افتاد، بلکه پادشاهی آخرالزمان که در انبیای عهد عتیق پیشگویی و پیش‌بینی شده بود، واقعاً وجود داشت. این پادشاهی در واقع یک واقعیت بود، اما در شکل اولیه و پیش از شکل نهایی. بنابراین، عیسی پایان جهان یا ظهور دوم را تعلیم نمی‌داد، بلکه پادشاهی را در شکل اولیه و آغازین آن ارائه می‌داد.

این [پادشاهی] از قبل وجود داشته است. مردان و زنان می‌توانستند پیش از ظهور نهایی آن در آینده، که در ظهور دوم رخ خواهد داد، وارد پادشاهی خدا شوند. توجه خواهید کرد که بخشی از این موضوع در هر سه انجیل منعکس شده است، جایی که عباراتی در مورد پادشاهی خدا پیدا می‌کنید که به نظر می‌رسد نشان می‌دهد که در حال حاضر وجود دارد، اما عبارات دیگری وجود دارند که به نظر می‌رسد آینده است.

باز هم، راه توجیه این موارد این است که هر دو بخشی از آموزه‌های عیسی هستند مبنی بر اینکه پادشاهی واحد آخرالزمان که در عهد عتیق وعده داده شده است، اکنون در دو مرحله از راه می‌رسد. مرحله اول، به شکل اولیه آغاز شده در خدمت و مرگ و رستاخیز عیسی، و سپس مرحله دوم و بیشتر در آمدن دوم مسیح برای برقراری پادشاهی خود بر تمام زمین. بنابراین، به شما پیشنهاد کردم که آن اظهارات در همان ابتدای خدمت عیسی و تعدادی از اظهارات دیگر که به نظر می‌رسد نشان می‌دهد که پادشاهی از قبل وجود داشته یا نزدیک بوده است، یک پیش‌بینی ناموفق نیستند، بلکه منعکس کننده آموزه‌های عیسی هستند مبنی بر اینکه پادشاهی آخرالزمان از عهد عتیق از قبل آغاز شده است و مردان و زنان می‌توانند از قبل وارد سلطنت و حکومت خدا شوند و برکات آن را همین حالا در زمان حال تجربه کنند.

اما گفته‌های دیگری از عیسی وجود دارد که می‌خواهیم بررسی کنیم. و مورد بعدی که می‌خواهیم به آن بپردازیم، و همانطور که گفتیم، موارد زیادی وجود دارد که می‌توانیم به آنها نگاه کنیم، اما ما گزینشی عمل خواهیم کرد و فکر می‌کنم فقط به برخی از متون اصلی که به عنوان نشانه‌هایی از پیش‌بینی پایان و اشتباه عیسی یا چیزی شبیه به آن اشاره شده است، اشاره خواهیم کرد. و یکی از آنها در متی فصل ۱۶ و آیه ۲۸ یافت می‌شود.

متی ۱۶ و آیه ۲۸، شما جمله‌ای مشابه این را هم در مرقس و هم در لوقا پیدا می‌کنید. اما من فقط آیه ۲۸ از متی ۱۶ را می‌خوانم. متی ۱۶:۲۸، در پایان بخشی از تعالیم عیسی، عیسی می‌گوید، واقعاً، من به عقب برمی‌گردم و آیه ۲۷ را می‌خوانم، زیرا پسر انسان با فرشتگانش در جلال پدرش خواهد آمد و سپس هر کس را مطابق آنچه انجام داده است پاداش خواهد داد.

ظاهراً، این اشاره‌ای به آمدن دوم مسیح است، اگرچه عیسی چیزی در مورد زمان وقوع آن یا اینکه آیا به زودی یا چیزی شبیه به آن است، نمی‌گوید. اما سپس در آیه ۲۸ می‌گوید، به راستی، به شما می‌گویم، برخی اینجا ایستاده‌اند، و عیسی خطاب به شاگردانش می‌گوید، برخی اینجا ایستاده‌اند که تا پسر انسان را در پادشاهی‌اش نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید. و پسر انسان لقب مورد علاقه عیسی برای خودش بود، بارها به خودش به عنوان پسر انسان اشاره می‌کند.

و حالا او به پیروانش، شاگردانش، می‌گوید که دارد می‌گوید برخی از آنها قبل از اینکه آمدن پادشاهی خدا را با قدرت و جلال ببینند، نخواهند مرد. حالا، وسوسه‌انگیز است که این را به عنوان اشاره‌ای به آیه ۲۷ در نظر بگیریم، که به نظر من به وضوح اشاره‌ای به آمدن دوم مسیح است. و سپس نتیجه بگیریم، خب، عیسی فکر می‌کرد که برخی از پیروانش قبل از اینکه شاهد آمدن مسیح در پایان تاریخ باشند، نخواهند مرد، تا تاریخ را به پایان برسانند، پادشاهی را به کمال برسانند، و داوری و رستگاری را به ارمغان بیاورند و برخی آن را خواهند دید.

بدیهی است که این اتفاق نیفتاد. بنابراین، چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟ خب، برخی دوباره به این نتیجه رسیده‌اند که عیسی پایان را پیش‌بینی کرده بود اما بسیار اشتباه می‌کرد. عیسی فکر می‌کرد که پایان در طول زندگی او و برخی از شاگردانش فرا خواهد رسید.

اما باز هم، عیسی در پیش‌بینی خود اشتباه کرد. و بنابراین، همانطور که در سخنرانی مقدماتی دیدیم، این دیدگاه می‌گوید که عیسی به نوعی یک واعظ آخرالزمانی بوده است. او پایان جهان را موعظه کرد، همانطور که می‌بینیم واعظان پیشگویی زیادی این کار را انجام می‌دهند.

و عیسی اشتباه کرد و برای باورش مرد، بدون اینکه رسیدن پادشاهی خدا را ببیند. یک احتمال دیگر، و دوباره بگذارید دوباره بگویم، این دیدگاه، بدیهی است که با دیدگاهی که من در مورد عهد جدید به عنوان کلام خدا و عیسی مسیح به عنوان خود خدا، و به عنوان کسی که آمده تا حقیقت خدا را به قوم خود بگوید، فرض می‌کنم، سازگار نیست. اینکه عیسی را به عنوان کسی که پایانی را پیش‌بینی می‌کند و سپس اشتباه می‌کند و در اشتباه است، در نظر بگیریم، با آن یا با خدایی که حاکم مطلق است و همه چیز را می‌داند، سازگار نیست. حداقل پنج دیدگاه دیگر وجود دارد که فکر می‌کنم نسبت به آن ارجحیت دارند، که ما را از این نتیجه‌گیری که عیسی اشتباه کرده و عیسی اشتباه کرده است، رها می‌کند.

آخرین مورد از این موارد، موردی است که من به آن اعتقاد دارم و فکر می‌کنم محتمل‌ترین است، اگرچه همه آنها استدلال‌های خوبی دارند و نسبت به اینکه عیسی را یک واعظ آخرالزمانی اشتباه بدانیم، ارجحیت دارند. اولین دیدگاه از پنج دیدگاه باقی‌مانده این است که این اشاره به رستخیز و تعالی عیسی است. بنابراین، وقتی عیسی می‌گوید، به راستی، به شما می‌گویم، برخی اینجا ایستاده‌اند که تا زمانی که پسر انسان را در پادشاهی خود نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید، آمدن در پادشاهی او اشاره‌ای به رستخیز و تعالی او به بهشت خواهد بود.

در واقع، اگر بخشی از بقیه عهد جدید، مانند اعمال رسولان فصل ۲ و حتی افسسیان فصل ۱، یعنی انتهای افسسیان فصل ۱ را بخوانید، نویسندگان عهد جدید با اشاره به مزمور فصل ۲ و مزمور ۱۱۰، به ویژه رستخیز و تعالی عیسی مسیح را به عنوان ورودی به حکومت مسیحایی او می‌دانستند. اینکه در دست راست پدر، عبارتی که از مزمور ۱۱۰ آمده است، عیسی اکنون به عنوان پادشاه داوود سلطنت می‌کند. و این اتفاق

می‌افتد، اعمال رسولان فصل ۲ و افسسیان فصل ۱ به روشنی بیان می‌کنند که این اتفاق در نتیجه رستاخیز و تعالی او به آسمان رخ می‌دهد.

او وارد سلطنت مسیحایی خود می‌شود. فکر می‌کنم این را در عبرانیان ۱ نیز می‌بینید. بنابراین، اگرچه این امکان وجود دارد، اما فکر می‌کنم نتیجه‌گیری از این عبارت که برخی از شما طعم مرگ را نخواهید چشید، دشوار است.

به نظر می‌رسد که اکثر، حداقل اکثر پیروانی که آنجا ایستاده‌اند، از رستاخیز و تعالی عیسی مسیح آگاه بوده‌اند و به صورت بصری یا شفاهی شاهد آن بوده‌اند، به خصوص وقتی که فصل اول اعمال رسولان را می‌خوانید. همچنین فکر می‌کنم اشاره به رستاخیز و تعالی عیسی به عنوان آمدن او در پادشاهی‌اش کمی عجیب است. اگرچه باز هم، ارتباط با رستاخیز او و مزبور ۱۱۰، ورود به سلطنت مسیحایی او در دست راست پدر، شاید این را تأیید کند. اما فکر می‌کنم عبارت «فقط برخی که آنجا ایستاده‌اند» نتیجه‌گیری در مورد اینکه این رویداد به رستاخیز و تعالی او اشاره دارد را کمی دشوار می‌کند.

احتمال دیگر، احتمال دوم که به نظر من باز هم بر اشتباه دانستن عیسی ارجحیت دارد، این است که این اشاره به آمدن پسر انسان در پادشاهی‌اش، اشاره‌ای به آمدن روح‌القدس بر پیروانش در اعمال رسولان باب ۲ و انتشار انجیل باشد. نکته‌ای که می‌تواند از این گفته پشتیبانی کند این است که جالب است پطرس در باب ۲ از یوئیل نقل قول می‌کند تا آنچه را که در اعمال رسولان باب ۲ اتفاق می‌افتد، توجیه و توضیح دهد. و از یوئیل باب ۲ نقل قول می‌کند تا نشان دهد که این امر در حال تحقق است. یوئیل باب ۲ پیشگویی در مورد روز آمدن خداوند است، زمانی که در واقع، مسیح بر همه چیز حکومت خواهد کرد، زمانی که خدا حکومت خود را بر تمام زمین برقرار کند.

بنابراین شاید با نزول روح‌القدس بر کلیسا در اعمال رسولان ۲ در تحقق متن نبوی که پادشاهی آینده را پیش‌بینی می‌کرد، بتوان گفت که پیروان عیسی واقعاً آمدن پادشاهی خدا را با قدرت دیدند، زمانی که متنی مانند یوئیل فصل ۲ که روز آمدن خداوند، پادشاهی آینده را پیش‌بینی می‌کرد، واقعاً در حال تحقق بود. باز هم، اگرچه این امکان وجود دارد و من فکر می‌کنم ترجیح می‌دهم دیدگاه اول را در مورد اشتباه بودن عیسی در نظر بگیرم، اما هنوز هم فکر می‌کنم که با این ایده که فقط برخی از شما که اینجا ایستاده‌اید، این اتفاق را خواهید دید، مشکلاتی دارد. احتمال سوم این است که این به آمدن عیسی در سال ۷۰ میلادی برای داوری اورشلیم و نابودی اورشلیم و معبد اشاره دارد.

ما آن را به عنوان توضیحی برای کل مسئله تأخیر، و همچنین متن خاص دیدیم. ما آن را به عنوان توضیحی مشترک برای تعدادی از این متون خواهیم دید. باز هم، مطمئن نیستیم که این موضوع در این زمینه به همان اندازه واضح باشد، حداقل تا جایی که من آن را خوانده‌ام.

هیچ چیزی وجود ندارد که به وضوح به ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی اشاره کند. اما من تعجب می‌کنم که آیا به قدرت رسیدن عیسی، به ویژه پس از آیه ۲۷، بهترین راه برای توصیف ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی باشد. شاید، اما فکر می‌کنم توضیح کمی بهتری وجود داشته باشد.

احتمال چهارم، ترکیب برخی از این موارد است. تعدادی از محققان ترکیبی از اعداد دو و سه یا حتی اعداد دو و چهار را در نظر می‌گیرند. کلی‌تر این است که عیسی به هیچ رویداد خاصی اشاره نمی‌کند، بلکه به طور کلی‌تر به نزول روح، گسترش انجیل، برقراری پادشاهی خدا و گسترش انجیل در کلیسا اشاره می‌کند.

همه اینها را باید به عنوان آمدن پسر انسان در پادشاهی‌اش فهمید. آخرین دیدگاه، و دیدگاهی که من ترجیح می‌دهم و فکر می‌کنم از پشتوانه متنی خوبی برخوردار است، آیه ۲۸ است، جایی که عیسی می‌گوید، به راستی

به شما می‌گویم، برخی اینجا ایستاده‌اند که تا پسر انسان را در پادشاهی‌اش نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید، آمدن پسر انسان در پادشاهی‌اش احتمالاً اشاره‌ای به تغییر شکل است.

جالب است که هر سه انجیل دقیقاً همین عبارت را دارند؛ بخش بعدی و آیه بعدی روایتی از تغییر شکل عیسی است، جایی که او به کوه می‌رود و در مقابل پطرس، یعقوب و یوحنا تبدیل و تغییر شکل می‌یابد. بنابراین، از نظر زمینه‌ای، این دیدگاه پشتیبانی زیادی دارد زیرا، باز هم، رویداد بعدی پس از این گفته، تغییر شکل است. بنابراین، احتمالاً به آیه ۲۷ اشاره نمی‌کند، اگرچه به یک معنا، اشاره دارد؛ پس از اینکه به آنها گفته می‌شود پسر انسان با فرشتگان‌ش خواهد آمد و هر کس را بر اساس آنچه انجام داده‌اند پادشاه خواهد داد، در جلال پدرش خواهد آمد.

اکنون به نظر می‌رسد که عیسی می‌گوید، اما برخی شاهد آمدن پسر انسان خواهند بود. نه در تجلی نهایی و نهایی آن، بلکه برخی واقعاً نگاهی اجمالی به آن، نوعی پیش‌نمایش از آن، به شکل تبدیل هیئت خواهند داشت. این دقیقاً همان چیزی است که در متی ۱۷ و در هر سه انجیل در رویداد بعدی پس از این گفته اتفاق می‌افتد.

جالب است که روایت تبدیل هیئت با زبان عهد عتیق در مورد پادشاهی خدا بیان شده است. به نظر من بخش زیادی از آن به دانیال باب ۷ بستگی دارد، تصویری از پسر انسان که در جلال خود می‌آید، در پادشاهی خود. دانیال باب ۷ در آنچه در این رؤیای عیسی مسیح که تبدیل هیئت و دگرگون می‌شود، به عنوان پسر انسان، در مقابل قومش، اتفاق می‌افتد، نقش دارد.

مطمئناً، فقط برخی آن را دیدند. فقط برخی از کسانی که در فصل ۱۶ آنجا ایستاده بودند، آن را دیدند و فقط پطرس، یعقوب و یوحنا شاهد تبدیل هیئت بودند. بنابراین، یک بار دیگر، من فکر نمی‌کنم که آیه ۲۸ از فصل ۱۶ متی و موارد مشابه در لوقا و مرقس حتی پیش‌بینی‌هایی از آمدن دوم مسیح در آینده باشند.

من فکر می‌کنم آنها به یک رویداد نزدیک‌تر، یعنی تبدیل هیئت عیسی مسیح، اشاره دارند. اگر فکر نمی‌کنید که این دیدگاه درست است، مطمئناً گزینه‌های بهتر دیگری غیر از این وجود دارد که بگویید عیسی در پیش‌بینی خود شکست خورد. این می‌تواند به رویداد ۷۰ میلادی اشاره داشته باشد.

می‌تواند به آمدن روح‌القدس در لوقا یا اعمال رسولان اشاره داشته باشد. چند مورد وجود دارد که می‌تواند به آنها اشاره کند. اما باز هم، من تغییر شکل را از نظر زمینه و همچنین ارتباط آن با دانیال ۷ و سایر متون عهد عتیق ترجیح می‌دهم.

به نظر می‌رسد که این تصویر، پیش‌نمایشی از آمدن عیسی در جلال آخرالزمانی نهایی اوست و تنها تعداد کمی، توانستند آن را به شکل تبدیل هیئت مشاهده کنند. آیه بعدی که می‌خواهم توجه شما را به آن جلب کنم مختص انجیل متی است، متنی دیگر که اغلب به عنوان پیشگویی عیسی در مورد پایان جهان برداشت شده و اشتباه بوده است. آن متن، متی ۱۰ و آیه ۲۳ است.

این در چارچوب وسیع‌تری است که عیسی به ۱۲ شاگردش مأموریت می‌دهد تا به مأموریتی بروند. و آیه ۲۳ آیه‌ای است که می‌خواهیم روی آن تمرکز کنیم. و عیسی می‌گوید، آیه ۲۳، وقتی در شهری شما را آزار می‌دهند، به شهر دیگر فرار کنید.

و اینها کلماتی هستند که می‌خواهیم روی آنها تمرکز کنیم. زیرا به راستی به شما می‌گویم، شما از شهرهای اسرائیل عبور نخواهید کرد تا پسر انسان بیاید. حال، دوباره، صحبت عیسی با ۱۲ شاگردش به نظر می‌رسد که

نشان می‌دهد عیسی قبل از اینکه آنها مأموریت خود را در اسرائیل به پایان برسانند، فکر می‌کرد که پسر انسان قرار است بیاید.

بدیهی است که عیسی نه در زمان حیات شاگردانش و نه در زمان حیات خود برنگشت. و دوباره، ۲۰۰۰ سال بعد، ما تقریباً اینجا هستیم. آیا عیسی اشتباه کرد؟ آیا عیسی اشتباه کرد؟ در واقع، این نتیجه‌گیری آلبرت شوایتزر است.

ما در ویدیوی مقدماتی از او نام بردیم، یک متکلم مشهور که به این نتیجه رسید که عیسی یک واعظ آخرالزمانی است. او پایان جهان را موعظه کرد، اما اشتباه کرد. عیسی در پیش‌بینی اینکه در طول عمر شاگردانش خواهد آمد، اشتباه کرد.

این دیدگاه شوایتزر و برخی دیگر از متی ۱۰:۲۳ بود. دیدگاه دیگر این است که این اشاره به رستاخیز عیسی است. وقتی او می‌گوید، شما تا قبل از آمدن پسر انسان، از گشتن در تمام شهرهای اسرائیل دست نخواهید کشید. برخی می‌گویند این اشاره به رستاخیز اوست.

یعنی تا زمان رستاخیز عیسی، شاگردان عمدتاً وظیفه داشتند یهودیان را در قوم اسرائیل بشارت دهند. به عنوان مثال، پس از رستاخیز او، مأموریت بزرگ را داریم. اگر به یاد داشته باشید، در پایان متی ۲۸، عیسی به شاگردانش می‌گوید که نه از اسرائیل، بلکه از همه ملت‌ها شاگرد بسازند.

بنابراین، برخی نتیجه می‌گیرند که آنها سفر خود را به تمام شهرهای اسرائیل تمام نخواهند کرد. آنها بشارت خود به اسرائیل را قبل از رستاخیز پسر انسان به پایان نخواهند رساند، زمانی که قرار بود انجیل پخش شود و مأموریت آنها گسترش یابد تا شامل غیریهودیان و همه ملت‌ها شود، همانطور که در مأموریت بزرگ منعکس شده است. اگرچه این کاملاً ممکن است، اما من فکر می‌کنم آمدن پسر انسان در انتهای آیه ۲۳، که اشاره به قبل از آمدن پسر انسان است، روشی نسبتاً عجیب برای اشاره به رستاخیز عیسی است.

فکر نمی‌کنم جای دیگری بتوانید چنین چیزی پیدا کنید. مطمئن نیستم که باید این را این‌طور بخوانیم. احتمال دیگری که قبلاً دیده‌ایم این است که، در چند آیه دیگر و آیاتی که در ادامه خواهیم دید، این اشاره‌ای به آمدن عیسی در سال ۷۰ میلادی برای داوری بر اورشلیم است.

و تی. رایب و دیگران چنین موضعی دارند. باز هم، این ممکن است و مطمئناً نسبت به این دیدگاه که عیسی آمدن و بازگشت خود را پیش‌بینی کرده و اشتباه کرده است، ارجحیت دارد. اما من دیدگاهی را پیشنهاد می‌کنم که احتمالاً با متن مطابقت بیشتری دارد.

یعنی، این به پارتوسیا یا آمدن دوباره مسیح اشاره دارد. بنابراین، از این نظر، شوایتزر درست می‌گوید. عیسی آمدن دوباره و بازگشت خود را پیش‌بینی می‌کند، اما لازم نیست او را در اشتباه ببینیم.

فکر می‌کنم راه بررسی این موضوع این است که متوجه شویم مأموریت عیسی به شاگردانش را می‌توان در متی فصل ۱۰ به دو بخش تقسیم کرد. یکی از آنها در ۱۵ آیه اول یافت می‌شود. ۱۵ آیه اول متی فصل ۱۰، مأموریتی بسیار کوتاه‌مدت را آشکار می‌کند.

و وقتی این آیات را می‌خوانید، به خصوص از آیه ۵ تا آیه ۱۵، این نشان دهنده تمرکز محدودتر و ماموریت کوتاه مدت‌تری است. وقتی به آیه ۱۶ و بقیه فصل می‌رسید، دیدگاه گسترش می‌یابد و دیگر محدود نیست و به نظر می‌رسد ماموریتی بسیار گسترده‌تر و بلندمدت‌تر است. زیرا اکنون آنها را در مقابل دادگاه‌ها دارید.

شاگردان را در برابر دادگاه‌ها دارید. آنها را در برابر قضات و پادشاهان دارید. در آیه ۱۸، شما را به حضور والیان و پادشاهان خواهند برد.

شما مورد آزار و اذیت قرار خواهید گرفت. و اکنون تصویری از چیزی دریافت می‌کنید که به نظر می‌رسد بسیار بیشتر از ۱۵ آیه اول، شاخه شاخه شده یا گسترش یافته است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که آیات ۱۷ تا پایان فصل، یا ۱۶ تا پایان فصل، مأموریتی را به تصویر می‌کشند که تا زمان بازگشت مسیح ادامه خواهد داشت.

مأموریتی که دامنه وسیع‌تری داشت و فراتر از آنچه در ۱۵ آیه اول توصیف شده بود، می‌رفت. بنابراین، آنچه عیسی در اینجا تصور می‌کند، یک مأموریت مداوم برای اسرائیل تا زمان بازگشت اوست، بدون اینکه به شما بگوید چه زمانی برمی‌گردد یا چقدر زود است. این یک مأموریت مداوم برای اسرائیل است که در کنار مأموریت به شاگردان وجود خواهد داشت.

این تقریباً یک دستور برای آنهاست. تقریباً به معنای القای فوریت برای این مأموریت با توجه به این واقعیت است که پسر انسان روزی خواهد آمد. حال، این تصویر از این مأموریت گسترده و گسترده‌تر، تنها کاری که انجام می‌دهد این است که نشان می‌دهد مأموریت باید فراتر از تمرکز محدود در ۱۵ آیه اول و فراتر از اسرائیل گسترش یابد.

به شما نمی‌گوید که چقدر طول خواهد کشید. مطمئناً، ۲۰۰۰ سال را پیش‌بینی نمی‌کند. اما بازگشت فوری مسیح را نیز در طول عمر حواریون پیش‌بینی نمی‌کند.

این به سادگی به آنها یادآوری می‌کند که در کنار مأموریتشان برای غیریهودیان، همیشه یک مأموریت ناتمام برای اسرائیل وجود خواهد داشت که شاگردان و پیروانشان باید در آن شرکت کنند. و بنابراین، این آیه بیشتر تشویقی برای ادامه آن و فوریتی برای ادامه آن است تا پیش‌بینی پایان یا اینکه پایان چقدر نزدیک است. همچنین ممکن است دوباره منعکس کننده متی 28: 18-20، دستور شاگردسازی از همه ملت‌ها باشد.

اکنون، ما این را در اینجا در این مأموریت گسترده‌تر می‌بینیم، اما با یادآوری مأموریت همچنان در حال انجام و ناتمام اسرائیل که باید تا زمان بازگشت پسر انسان ادامه یابد. باز هم، باید به یاد داشته باشیم که عیسی به ما تعلیم می‌داد که پادشاهی از قبل آغاز شده است. آخرالزمان از قبل به آنها فشار می‌آورد.

پادشاهی از قبل آغاز شده بود، بنابراین آنها صرفاً منتظر تکمیل آن بودند. بنابراین، این امر فوریتی را در بشارت و مأموریت آنها ایجاد می‌کند. بنابراین، یک بار دیگر، فکر نمی‌کنم که استناد به این متن و نتیجه‌گیری مبنی بر اینکه عیسی اشتباه کرده است، ضروری یا مشروع باشد.

او در پیش‌بینی پایان جهان اشتباه کرد، زیرا بله، او در متی ۱۰-۲۳ به ظهور دوم اشاره می‌کند، اما زمان وقوع آن را پیش‌بینی نمی‌کند. و باز هم، این اتفاق در چارچوب یک مأموریت گسترده‌تر رخ می‌دهد که عیسی مطمئناً آن را برای مدتی طولانی می‌بیند. عیسی به ما نمی‌گوید که این اتفاق ۲۰۰۰ سال خواهد بود، اما نمی‌گوید که بلافاصله در طول عمر آنها باز خواهد گشت، و سپس اشتباه کرد.

نه، او صرفاً فوریت مأموریت و ماهیت ناتمام مأموریت به اسرائیل را که پیروان عیسی، حال و آینده، باید همیشه در آن مشارکت داشته باشند و درگیر آن باشند، به آنها یادآوری می‌کند. آخرین متن یا مجموعه متونی که می‌خواهم در مورد آنها بحث کنم، و متون دیگری هم وجود دارد که می‌توانیم در مورد آنها صحبت کنیم اما این بخش، بخش بزرگتر، دو یا سه بخش مهم دارد که باید در رابطه با موضوع تأخیر پاروسیا در نظر بگیریم و آن گسترده‌ترین آموزه عیسی در مورد آمدنش است، بخشی که اغلب به عنوان گفتمان آخرالزمانی عیسی،

یا گفتمان زیتون او نامگذاری می‌شود زیرا او آن را در کوه زیتون تعلیم داد. این خطبه یا آموزه‌ای است که در متی ۲۴ و ۲۵، گسترده‌ترین نسخه، و سپس مرقس ۱۳ و لوقا ۲۱، گفتمان زیتون عیسی، یافت می‌شود.

ما بر روی متی ۲۴ تمرکز خواهیم کرد زیرا کامل‌ترین روایت از آموزه‌های عیسی است و چند نکته در آن وجود دارد که در سایر انجیل‌های هم‌نوا وجود ندارد. اولین آیات یا گفته‌های عیسی که می‌خواهم روی آنها تمرکز کنم، در فصل ۲۹، ببخشید، متی ۲۴ و آیه ۳۴ یافت می‌شود. در واقع، ما با آیه ۲۹ شروع خواهیم کرد و کمی در مورد کل بخش ۲۴ و ۲۵ نیز صحبت خواهیم کرد تا بتوانیم گفته‌های جداگانه را بیشتر درک کنیم، اما آیه بلافاصله پس از مصیبت آن روزها، خورشید تاریک خواهد شد، ماه نور خود را نخواهد تاباند، ستارگان، ۲۹ از آسمان فرو خواهند ریخت و قدرت‌های آسمان متزلزل خواهند شد. به نظر می‌رسد این کلمات اخیر به آمدن دوم مسیح در پایان تاریخ اشاره دارد که جلال و در پادشاهی او برای داوری خواهد آمد، اما متی می‌گوید که این اتفاق بلافاصله پس از مصیبت آن روزها رخ خواهد داد.

پیشانی آن روزها چیست؟ باید در مورد آن آیه صحبت کنیم. مورد دیگر آیه ۳۴ است: به شما می‌گویم، این هنوز متی ۲۴ است، به شما می‌گویم، این نسل، که فکر می‌کنم این نسل به وضوح به افرادی اشاره دارد که عیسی با آنها صحبت می‌کند، معاصرانش، پیروانش، شاگردانش، کسانی که موعظه او را می‌شنوند، این نسل است. بنابراین آن دسته از افراد زنده که به تعلیم عیسی گوش می‌دهند، او می‌گوید این نسل، شما که گوش می‌دهید، شما که زنده هستید، این نسل تا زمانی که همه این اتفاقات رخ ندهد، از بین نخواهد رفت.

این چیزهایی که قرار است اتفاق بیفتند و عیسی مطمئن است که شنوندگانش قبل از مرگشان خواهند دید، چه هستند؟ بسیاری دوباره متقاعد شده‌اند که عیسی با این دو آیه، همه این چیزها را پیش‌بینی می‌کرد و به ظهور دوباره اشاره داشت. عیسی پایان جهان را پیش‌بینی می‌کرد، اما اشتباه می‌کرد. خب، بیایید کمی به عقب برگردیم و کمی به فصل‌های ۲۴ و ۲۵ به طور کلی، به ویژه ۲۴، نگاه کنیم.

با مشاهده‌ی معبد توسط شاگردان عیسی آغاز می‌شود، معبدی نسبتاً باشکوه، معبدی در اورشلیم که ۲۴ هیروودیس ساخته بود. آنها به این معبد نگاه می‌کنند و از ساختمان و سازه‌ی آن شگفت‌زده می‌شوند، و سپس عیسی بلافاصله نابودی آن را پیش‌بینی می‌کند. او در آیه‌ی ۲۴، آیه‌ی ۱ می‌گوید، شاگردانش آمدند و توجه او را به ساختمان‌های آن، معبد، جلب کردند.

و او به آنها پاسخ داد، آیا همه این چیزها را می‌بینید؟ به راستی، به شما می‌گویم، هیچ سنگی از این معبد و بنای آن بر سنگی دیگر باقی نخواهد ماند که فرو نریزد. بنابراین، به نظر می‌رسد که عیسی ویرانی معبد را پیشگویی می‌کند. و سپس آیه ۳ می‌گوید، در حالی که او بر کوه زیتون نشسته بود، شاگردان به طور خصوصی به او نزدیک شدند و گفتند، به ما بگو، این اتفاقات چه زمانی رخ خواهد داد؟ یعنی، این اتفاقات چیست؟ ویرانی معبد.

عیسی همین الان به او گفت که معبد ویران خواهد شد. این اتفاقات چه زمانی رخ خواهد داد؟ و بخش دوم سوال این است که نشانه آمدن تو و پایان عصر چیست؟ بنابراین، سوال آنها دو جنبه دارد و احتمالاً این دو را به هم ربط داده‌اند. اول اینکه، معبد چه زمانی ویران خواهد شد؟ عیسی، تو همین الان به ما گفتی که این اتفاق خواهد افتاد.

و سپس آنها اینطور فکر می‌کردند که، پس این باید به این معنی باشد که آمدن مسیح درست در گوشه و کنار است، پایان عصر، آمدن نهایی مسیح در جلال و قدرتش برای برپایی پادشاهی اش. این چه زمانی اتفاق خواهد افتاد؟ نشانه‌های فرا رسیدن پایان عصر چه خواهد بود؟ بنابراین، من اینطور برداشت می‌کنم که عیسی قرار است به هر دوی این سؤالات پاسخ دهد. برخی گفته‌اند، خب، عیسی به یکی پاسخ می‌دهد و دیگری را به یک سوال یا چیز دیگری موکول می‌کند.

بنابراین، من اینطور برداشت می‌کنم که عیسی قرار است به هر دوی آنها پاسخ دهد. و در طول بقیه آیات ۲۴ و ۲۵، فکر می‌کنم نکته کلیدی این است که بفهمیم عیسی چه زمانی و چگونه به هر دوی این سؤالات پاسخ می‌دهد. حال، راهی وجود دارد؛ راه‌های مختلفی برای تفسیر کل این بخش از متی ۲۴ وجود دارد.

یکی از آنها، باز هم، این است که بگوییم همه اینها در سال ۷۰ میلادی، یعنی نابودی اورشلیم، رخ داده است. و دیگران چنین موضعی دارند. یعنی کل فصل ۲۴ به نابودی اورشلیم اشاره دارد NT Wright، باز هم.

حتی در باب ۲۴ و آیات ۲۹ و ۳۲، وقتی می‌گویند خورشید تاریک خواهد شد، ماه نور خود را نخواهد تاباند، ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت، قدرت‌های آسمان متزلزل خواهند شد، آنگاه نشان پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد. پسر انسان با قدرت و جلال عظیم بر ابرها خواهد آمد. آیا این شبیه آمدن دوم مسیح نیست؟ خب، برخی این را می‌گیرند و می‌گویند که این صرفاً نوعی روش آخرالزمانی و نمادین برای توصیف ساده‌ی آمدن عیسی برای داوری در اورشلیم است.

این به معنای واقعی کلمه به آمدن مسیح در ابرها که بتوانیم در آسمان نگاه کنیم و ببینیم اشاره نمی‌کند. و آن تی. رایت و دیگران می‌گویند، بله، عیسی قرار است در آینده به ظهور دوم خود بازگردد. اما آنها فقط می‌گویند. که این به این موضوع اشاره ندارد.

آنها معتقدند که کل فصل ۲۴ به ظهور مجدد یا آمدن مسیح در سال ۷۰ میلادی برای نابودی اورشلیم اشاره دارد. حتی آن تعبیری که از تاریک شدن آسمان، عدم تابش ماه و آمدن پسر انسان بر ابرها با قدرت و جلال عظیم به کار می‌رود، روشی نمادین برای توصیف آمدن مسیح در داوری بر اورشلیم است. گزینه دیگر این است که به کل این بخش به عنوان آینده اشاره کنیم.

دیدگاهی که در سخنرانی قبلی در مورد تدبیرگرایی کلاسیک در مورد آن صحبت کردیم، اغلب این دیدگاه را اتخاذ می‌کند. کل این فصل به آینده‌ای اشاره دارد که در آن معبد روزی در اورشلیم بازسازی می‌شود و سپس توسط دجال نابود می‌شود. بنابراین، کل ماجرا آینده است، که تا حدودی نقطه مقابل دیدگاه ۷۰ میلادی است که می‌گوید همه چیز مربوط به قرن اول است.

دیدگاه آینده می‌گوید، نه، کل فصل مربوط به آینده است. رویکرد سومی که من ترجیح می‌دهم این است که عناصری از هر دو در سراسر فصل وجود دارد. فصل ۲۴، آیات ۴ تا ۲۲، احتمالاً به وقایعی اشاره دارد که قرن اول را مشخص می‌کنند، اما این وقایع تا زمان بازگشت مسیح، همچنان به عنوان مشخصه‌ی تاریخ باقی خواهند ماند.

جنگ‌ها، شایعات جنگ‌ها، قحطی‌ها، زلزله‌ها، و سپس یک رویداد وحشتناک خاص در آیات ۱۵ تا ۲۲، یعنی ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی. بنابراین، منظور این است که فصل‌های ۴:۲۴ و ۲۲ به وقایعی اشاره دارند که در قرن اول اتفاق می‌افتادند و شاگردان عیسی شاهد و تجربه‌کننده آنها بودند. تنها کاری که باید انجام دهید این است که کتاب اعمال رسولان را بخوانید و ببینید آنها چه کردند. تاریخ را جستجو کنید و ببینید که آیا این اتفاق افتاده است یا خیر.

و یک رویداد وحشتناک خاص، ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی بود. آن وقایع، کل دوره تاریخ را تا زمان بازگشت عیسی مسیح مشخص می‌کنند. باز هم، عیسی نمی‌گوید که آیا این دوره ۱۰۰ سال، ۲۰۰۰ سال یا ۵۰۰۰ سال ادامه خواهد داشت.

او نمی گوید. او صرفاً به شاگردانش می گوید که این چیزی است که عصر کلیسا را به آمدن دوم مسیح مشخص می کند. بنابراین، به این ترتیب، ۲۲ آیه اول فصل ۲۴ به سوال اول پاسخ می دهد.

این اتفاقات چه زمانی رخ خواهد داد؟ عیسی به آنها می گوید که این اتفاقات، ویرانی اورشلیم است. اما سپس، از آیه ۲۹، بلافاصله پس از مصیبت آن روزها، خورشید تاریک خواهد شد، ماه نور خود را خواهد تاباند ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت، قدرت های آسمان متزلزل خواهند شد، سپس نشان پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد.

و آنگاه همه مردم زمین سوگواری خواهند کرد. پسر انسان را بر ابرها خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرهای آسمان می آید. و آنگاه فرشتگان خود را با شیپور بلند خواهد فرستاد.

آنها برگزیدگان را از چهار باد، از انتهای آسمان تا انتهای دیگر، گرد هم خواهند آورد. من فکر می کنم آن آیات به بخش دوم عیسی، یعنی سوال شاگردان، اشاره دارند. نشان آمدن تو در پایان عصر چه زمانی خواهد بود؟ این آمدن دوم مسیح است.

آمدن مسیح در انتهای تاریخ، آن را به پایان می رساند. می دانم که برخی با این نظر مخالفند، و باز هم، دیدگاه میلادی می تواند کاملاً درست باشد. اما هر یک از این دو، بر این که این را به عنوان یک پیش بینی ناموفق ۷۰ از سوی عیسی در نظر بگیریم، ارجحیت دارد.

اما با قرار دادن مطالب در آن زمینه، دوباره، آیات ۴ تا ۲۲ به وقایعی اشاره می کنند که در طول کل عصر کلیسا رخ خواهد داد: جنگ ها، شایعات جنگ، قحطی ها، زلزله ها، سرد شدن عشق بسیاری. و سپس در میان این وقایع، یک واقعه وحشتناک خاص، یعنی نابودی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، وجود خواهد داشت.

این اولین سوالی بود که شاگردان پرسیدند. سپس، آیات ۲۹ تا ۳۲ بالاخره شما را به این موضوع می رساند، و شما را به آمدن دوباره مسیح، بخش دوم سوال شاگردان، می رساند. حال، با این اوصاف، با برخی از این ۳۱ گفته ها چه می کنیم؟ فصل ۲۴ و آیه ۳۴.

حالا، ببینیم، متاسفم، بله، آیه ۳۴. به راستی، به شما می گویم، این نسل قطعاً نخواهد گذشت تا زمانی که همه این اتفاقات رخ دهد. نکته کلیدی درک این است که همه چیزهایی که اتفاق خواهد افتاد چیست، که عیسی متقاعد شده است که این نسل قبل از مرگشان خواهند دید.

و باز هم، من متقاعد شده ام که منظور از این نسل، ملت یهود یا هر کسی که قرار است روزی در دوره، مصیبت در آینده زنده بماند، نیست. هیچ راه دیگری برای درک این نسل وجود ندارد جز معاصران عیسی. افرادی که او با آنها صحبت می کند، کسانی که به او گوش می دهند و شاگردانش. این نسل، همین نسل است.

اما عیسی به آنها می گوید که تا همه این چیزها را نبینند، چیزی نخواهند گرفت و نخواهند مرد. اما همه این چیزها چیستند؟ خب، برخی آن را به آیات بلافاصله قبل اشاره می کنند. خورشید تاریک خواهد شد.

ماه دیگر نور نخواهد تابید. نشانه پسر انسان ظاهر خواهد شد. زمین سوگواری خواهد کرد.

آنها پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرها و ابرهای آسمان می آید. او فرشتگان خود را، با شیپور بلند خواهد فرستاد، که فکر می کنم به آمدن دوم مسیح اشاره دارد. و برخی می گویند که این چیزها همه این چیزها همین هستند.

و بنابراین، اگر این درست باشد، پس عیسی می‌گوید شما، این نسل، مردمی که من خطاب به آنها هستم، تا زمانی که ظهور دوباره مرا نبینید، از دنیا نخواهید رفت. اگر اینطور باشد، باز هم عیسی اشتباه کرد و اشتباه کرد. دیدگاه دیگر، دیدگاه ۷۰ میلادی است که ما در مورد آن بحث کرده‌ایم.

آنها هم همین را می‌گفتند. همه این چیزها به آیات ۲۹ تا ۳۱ برمی‌گردد. آمدن بر ابرهای جلال عظیم، جمع شدن فرشتگان، برگزیدگان، آسمان تاریک شد، قدرت‌های آسمان تاریک شدند، ستارگان آسمان فرو ریختند.

اما باز هم، آنها این را نه به عنوان اشاره‌ای به ظهور مجدد، بلکه به عنوان اشاره‌ای به آمدن عیسی برای داوری در سال ۷۰ میلادی بر اورشلیم تفسیر می‌کنند. به این ترتیب، درست است که این نسل قبل از دیدن همه این چیزها از دنیا نرفتند. اگر همه این چیزها در آیات ۲۹ و ۳۱ به ویرانی اورشلیم و در واقع کسانی که در آنجا ایستاده بودند اشاره دارد، شاگردان و معاصران عیسی آن واقعه وحشتناک را دیدند.

اما اگر آیات ۲۹ تا ۳۱ واقعاً به آمدن دوباره مسیح اشاره داشته باشند چه؟ همانطور که فکر می‌کنم ممکن است. آیا عیسی اشتباه می‌کرد؟ فکر می‌کنم راه فهمیدن این موضوع این است که همه این موارد در آیه ۳۴ به این موارد در آیه ۳۳ اشاره دارند. بنابراین، به آیه قبل نگاه کنید.

به همین ترتیب، وقتی همه این چیزها را می‌بینید، بدانید که او نزدیک در است. یعنی پسر انسان نزدیک در است. باز هم، همه این چیزها چیست؟ به نظر من، فکر می‌کنم همه این چیزها به آیات ۲۹ تا ۳۱ اشاره ندارند.

به همین دلیل، آیه ۳۳ منطقی نخواهد بود زیرا با این جمله تمام می‌شود: «بدانید که او نزدیک است. او پشت در است.» منطقی نیست که بگوییم «وقتی همه این چیزها، آمدن مسیح را دیدید، بدانید که او پشت در است.»

این منطقی نیست زیرا او قبلاً آمده است. اگر همه این موارد در آیه ۳۳ به آیات ۲۹ تا ۳۱ اشاره داشته باشد، که اشاره‌ای به ظهور مجدد است، منطقی نیست که بگوییم وقتی وقوع ظهور مجدد را دیدید، بدانید که ظهور مجدد نزدیک است. این منطقی نخواهد بود.

بنابراین، تمام این چیزهایی که در آیات ۳۳ و ۳۴ آمده است، احتمالاً به تمام وقایع آیات ۴ تا ۲۲ اشاره دارد. جنگ‌ها، شایعات جنگ‌ها، زلزله‌ها و قحطی‌هایی که مشخصه کل دوران تاریخ کلیسا خواهند بود، از جمله در بحبوحه آن، از جمله یک رویداد وحشتناک، نابودی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی. و در واقع، پیروان عیسی شاهد وقوع این اتفاقات بودند.

آنها جنگ‌ها و شایعات جنگ‌ها و شایعات جنگ‌ها را دیدند. آنها قحطی‌ها و زلزله‌ها را تجربه کردند. و ویرانی اورشلیم را در سال ۷۰ میلادی دیدند.

منظور عیسی صرفاً این است که وقتی می‌بینید همه این اتفاقات رخ می‌دهد، بدانید که پسر انسان نزدیک است. بدانید که او درست پشت در است. عیسی نمی‌گوید هر وقت دیدید که این اتفاقات رخ می‌دهد، من فوراً برمی‌گردم.

او فقط می‌گوید وقتی این اتفاقات بیفتد، عیسی می‌تواند هر زمانی برگردد. وقتی شاگردان همه این اتفاقات را ببینند، عیسی می‌تواند هر زمانی برگردد. این یک پیش‌بینی نیست که او حتماً باید برگردد یا لزوماً خواهد آمد.

این صرفاً یک پیش‌بینی است که عیسی می‌تواند پس از وقوع همه این اتفاقات، بازگردد. بنابراین، با کنار هم قرار دادن همه این موارد، بله، پیروان عیسی این چیزها را دیدند. این نسلی که عیسی خطاب به آنها بود، همه این چیزها را دیدند.

نه آمدن دوباره مسیح، اما آنها جنگ‌ها و شایعات جنگ‌ها و زلزله‌ها و قحطی و سرد شدن عشق بسیاری را دیدند. آنها ویرانی اورشلیم را در سال ۷۰ میلادی دیدند. وقتی همه این اتفاقات رخ دهد، بازگشت عیسی می‌تواند در هر زمانی اتفاق بیفتد.

اما متن دوباره از پیش‌بینی زمان وقوع آن یا اینکه او باید بازگردد یا اینکه بازگشت او قطعی است، خودداری می‌کند. عیسی دقیقاً به ما نمی‌گوید که بازگشت او چه زمانی خواهد بود. جالب است که بقیه متی ۲۴ و ۲۵ به مجموعه‌ای از تمثیل‌ها برمی‌گردند که همگی یک مضمون دارند و آن هوشیاری یا زندگی مسئولانه و زندگی مقدس در پرتو آمدن دوباره مسیح است.

بنابراین، باز هم، آموزه‌های عیسی این نیست که به شاگردانش اطلاعاتی بدهد تا محاسبه کنند که چقدر به پایان نزدیک هستند. عیسی مجموعه‌ای از نشانه‌ها را به آنها نمی‌دهد تا زمان بازگشت خود را پیش‌بینی کنند او سعی دارد با توجه به این واقعیت که عیسی می‌تواند در هر زمانی بازگردد، لزوم زندگی مسئولانه و داشتن زندگی مقدس در زمان حال را در شاگردانش القا کند.

وقتی آنها این اتفاقات را می‌بینند، از آن برای پیش‌بینی زمان بازگشت مسیح استفاده نکنند. اما وقتی شما این اتفاقات را می‌بینید، بدانید که مسیح پشت در است و می‌تواند هر لحظه بازگردد. و بنابراین، به عنوان قوم خدا، زندگی خود را مسئولانه سپری کنید.

همچنین جالب است که امروزه اغلب ما به این نشانه‌ها فکر می‌کنیم، و باز هم، وقتی به این متن نگاه می‌کنید عیسی نمی‌گوید، اینها نشانه‌هایی هستند تا بدانید چه زمانی برمی‌گردم. او دقیقاً برعکس عمل می‌کند. در آیات ۲۲ تا ۲۴، حداقل دو یا سه بار، عیسی می‌گوید که شما جنگ‌ها و شایعات جنگ‌ها و قحطی‌ها و زلزله‌ها را ۴ خواهید دید، و سپس با این جمله تمام می‌کند، اما پایان هنوز فرا نرسیده است.

یعنی، این نشانه‌ها به شما نمی‌گویند که پایان اینجاست. فریب نخورید. در واقع، قبل از آن جمله، در فصل قبل از آن جمله، بلافاصله پس از مصیبت آن روزها، خورشید تاریک خواهد شد. قبل از آن، او این ۲۴ بخش را از آیه ۲۳ شروع می‌کند.

اگر کسی به شما گفت، ببینید، مسیح اینجاست؛ باور نکنید. به عبارت دیگر، تمام حرف عیسی این است که وقتی این چیزها را می‌بینید، فریب نخورید. جنگ‌ها و شایعات جنگ‌ها، قحطی‌ها، زلزله‌ها، حتی ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، نرسید و فریب نخورید.

هنوز پایان نرسیده است. او می‌گوید وقتی عیسی برگردد، آن را از دست نخواهید داد. آیات ۲۹ تا ۳۱، وقتی عیسی برگردد، آن را از دست نخواهید داد.

بنابراین، به طور خلاصه، حداقل در آیه ۳۴، عیسی پایانی را که هرگز فرا نرسیده است، پیش‌بینی نمی‌کند. او به سادگی به پیروانش می‌گوید، شما، این نسل، شاهد وقوع همه این اتفاقات خواهید بود. این اتفاقات عبارتند از جنگ‌ها، شایعات جنگ‌ها، قحطی‌ها، زلزله‌ها و ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی.

و بعد، وقتی آنها را دیدید، بدانید که من پشت در ایستاده‌ام. بدانید که عیسی همین الان از گوشه و کنار می‌آید. چقدر نزدیک یا چقدر دور؟ عیسی نگفت

عبارت بعدی که می‌خواهم به آن پردازم، همان است که در آیه ۲۹ آمده و قبلاً خوانده‌ایم: متی ۲۴، ۲۹. بلافاصله پس از مصیبت آن روزها، خورشید تاریک خواهد شد و ماه نور خود را نخواهد تاباند.

ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت. قدرت‌های آسمان متزلزل خواهند شد. نشان پسر انسان در آنجا ظاهر خواهد شد.

او با قدرت و جلال عظیم بر ابرها خواهد آمد. فرشتگان با شیپور خواهند آمد. فکر می‌کنم اشاره‌ای به آمدن دوم مسیح باشد.

اما به نظر می‌رسد عیسی می‌گوید که آمدن دوباره مسیح بلافاصله پس از مصیبت آن روزها خواهد آمد. مصیبت آن روزها چیست؟ خوب، برخی گفته‌اند که مصیبت آن روزها، ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی است که عیسی در آیات ۱۵ تا ۲۲ از متی ۲۴ به آن اشاره کرده است. اگر اینطور باشد، و اگر متی ۲۴ و ۲۹ به آمدن دوباره مسیح اشاره دارد، پس عیسی اشتباه کرده است زیرا آمدن دوباره عیسی درست پس از سال ۷۰ میلادی در ویرانی اورشلیم اتفاق نیفتاد.

با این حال، من فکر می‌کنم که در آیه ۲۹، همه این چیزها، یا پریشانی آن روزها، به احتمال زیاد دوباره به تمام وقایع آیات ۴ تا ۲۲ - کل آن دوره پریشانی - اشاره دارد. همانطور که چندین بار اشاره کرده‌ام، آن دوره با جنگ‌ها، شایعات جنگ‌ها، قحطی‌ها و زلزله‌ها، و ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، کل آن دوره زمانی، زمان پریشانی است.

پس از آن، عیسی باز خواهد گشت. پسر انسان با قدرت و جلال عظیم بر ابرها باز خواهد گشت. اما باز هم، مشکل این است که عیسی به ما نمی‌گوید که این دوره چقدر طول خواهد کشید.

او نمی‌گوید که آیا پنج سال، ده سال یا صد سال یا دو هزار سال یا خیلی بیشتر است. این موضوع دغدغه او نیست. در عوض، باز هم، هدف القای هوشیاری و زندگی مسئولانه در پیروانش است.

اما باز هم، اگر در آیه ۲۹، منظور از مصیبت آن روزها، ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی نباشد، بلکه آن رویداد و تمام رویدادهای دیگری باشد که کل دوره تاریخ کلیسا را مشخص می‌کنند، آنگاه یک بار دیگر، عیسی پایانی را که محقق نشد، پیش‌بینی نمی‌کند. او پایانی را که قرار بود در قرن اول درست پس از ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی اتفاق بیفتد، اما هرگز محقق نشد، و عیسی اشتباه کرد، پیش‌بینی نمی‌کند. در عوض، عیسی در آیات ۴ تا ۲۲ پایان آن دوره مصیبت و پریشانی را پیش‌بینی می‌کند، از جمله ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، اما همچنین شامل تعدادی رویداد دیگر است که کل دوره تاریخ منتهی به آمدن مسیح را، صرف نظر از مدت زمانی که طول کشیده است، مشخص می‌کنند.

اما باز هم، عیسی علاقه‌ای به پیش‌بینی مدت زمان یا زمان بازگشت خود ندارد؛ او فقط پیش‌بینی می‌کند که او باز خواهد گشت و این باید در زندگی خوانندگان و شاگردانش تغییری ایجاد کند. بنابراین، هیچ یک از گفته‌های عیسی در این بخش نباید ما را به این نتیجه برساند که او اشتباه کرده است، پیش‌بینی‌ای کرده که هرگز اتفاق نیفتاده است، و بنابراین، اشتباه کرده است. می‌خواهم این بخش را با نگاهی به دو تمثیل معروف به پایان برسانم که به نظر من، دیدگاه جالبی از آنچه در حال وقوع است ارائه می‌دهند، اما دیدگاهی که فکر می‌کنم معمولاً از دست می‌دهیم.

دو مَثَلی که مد نظر دارم، یکی در انتهای متی ۲۴ و دیگری مَثَل اول در انتهای متی ۲۵ است. همانطور که گفتیم، پس از پایان فصل ۲۴ و در تمام طول فصل ۲۵، عیسی به مَثَل‌ها بازی‌گردد و دغدغه اصلی خود را به ما نشان می‌دهد. این یک پیش‌بینی، یک پیش‌بینی آخرالزمانی نیست.

او سیر وقایع، زمان بازگشت او یا نحوه خواندن نشانه‌ها را پیش‌بینی نمی‌کند. دغدغه اصلی او در تمثیل‌ها تجسم یافته است، جایی که خوانندگان خود را به چالش می‌کشد تا بیدار باشند، هوشیار باشند، مسئولانه زندگی کنند و نسبت به آنچه خدا به آنها داده است، امانت‌دار خوبی باشند، مسئولانه زندگی کنند، با توجه به واقعیت و تا زمان بازگشت مسیح، زندگی مقدسی را در اطاعت از مسیح داشته باشند. اولین تمثیلی که می‌خواهم به آن نگاه کنم، در انتهای متی ۲۴ است.

این مَثَلِ غلامِ هوشیار است. و این هم از آن. پس آن غلامِ امین و دانا که اربابش او را به سرپرستی خانواده‌اش گماشته تا در زمان مناسب به آنها غذا بدهد، کیست؟ خوشا به حال آن غلامی که وقتی اربابش می‌آید، او را در حال انجام وظیفه ببیند.

و برای اینکه کمی از پیشینه برایتان بگویم، اشاره اینجا احتمالاً به یک زمین‌دار ثروتمند، یک مباشر ثروتمند است که املاک زیادی دارد، خدمتکارانی را مسئول امور می‌کند و اغلب به سفر می‌رود و برای کار می‌رود و اموال خود را به مباشران یا خدمتکارانش می‌سپارد. و حالا او برمی‌گردد تا ببیند آیا آنها از آنچه به آنها سپرده شده مراقبت کرده‌اند یا خیر. اما خوشا به حال آن خدمتکاری که اربابش وقتی می‌آید او را وفادار یا در حال انجام وظیفه‌اش می‌بیند.

:آمین، به شما می‌گویم، او را بر تمام دارایی خود مسلط خواهد کرد. اما اگر آن غلام شیر در دل خود بگوید اربابم تأخیر کرده است «و شروع به آزار و اذیت همکاران خود کند و با میگساران بخورد و بنوشد، ارباب آن» غلام در روزی که انتظار ندارد و ساعتی که نمی‌داند، خواهد آمد. او را تکه‌تکه خواهد کرد و جایش را به ریاکاران خواهد داد، جایی که گریه و دندان بر هم ساییدن خواهد بود.

نوعی تصویر از مجازات ابدی. حالا، چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنید، مسئله‌ی مباشر است؛ ارباب فکر می‌کرد که مباشرش قرار است دور بماند، و مباشر فکر می‌کرد، ارباب من قرار است برای مدت طولانی دور بماند. و بنابراین شروع به انجام کاری می‌کند که او می‌خواهد.

او پولش را هدر می‌دهد و به شیوه‌ای زندگی می‌کند که نباید. مشکل این مَثَل در آیه ۵۰ بیان شده است، اینکه ارباب بنده در روزی که انتظار ندارد و در ساعتی که نمی‌داند، خواهد آمد، که این موضوع، گفته‌ی آیه ۳۴. آیه ۳۶، را منعکس می‌کند. حال، در مورد آن روز و ساعت، هیچ‌کس نمی‌داند، نه فرشتگان و نه پسر، جز پدر.

حالا، این تمثیل برای نشان دادن همین موضوع است. مشکل اینجا این است که ارباب زودتر از آنچه مباشر فکر می‌کرد برگشت. مباشر فکر می‌کرد که قرار است کارش به تعویق بیفتد، و او همه نوع زمانی داشت.

مشکل این است که استاد زودتر از آنچه انتظار داشت برگشت. این را با حکایت بعدی، حکایت ده دوشیزه در فصل ۲۵ مقایسه کنید. من این را نمی‌خوانم، اما شما داستان آنجا را می‌دانید.

این یک تمثیل از ۱۰ دوشیزه است. موضوع مربوط به یک عروسی در قرن اول میلادی است، و دوشیزگان، منتظر آمدن داماد هستند، که در آن لحظه فکر می‌کنم او را بدرقه می‌کنند. آنها منتظر رسیدن داماد هستند و تعدادشان ۱۰ نفر است.

می‌گوید پنج نفر نادان هستند، پنج نفر از دوشیزگان نادان هستند، چیزی شبیه به متصدیان عروسی. پنج نفر از آنها خردمند هستند. و چیزی که آنها را خردمند یا نادان می‌کند، پنج نفر از آنها بودند. پنج نادان روغن کافی برای دوام آوردن بیش از مدت زمان بسیار کوتاهی نداشتند.

آن پنج نفر که عاقل بودند، روغن دیگری آوردند تا چراغ‌هایشان را برای مدت طولانی روشن نگه دارند. و مشکل این است که در آیه ۶ آمده است، نیمه شب فریادی، احتمالاً از یک قاصد، آمد که داماد اینجاست، به استقبالش بیا. سپس همه آنها بیرون رفتند و مشکل این بود که داماد تأخیر داشت.

داماد وقتی که آنها فکر می‌کردند برگشت. او به محض اینکه آنها فکر می‌کردند برگشت و تأخیر کرد. پنج نادان برای تأخیر آماده نبودند، پنج خردمند آماده بودند.

خب، آیا تفاوت بین این دو مثل را می‌بینید؟ مثل اول درباره مشکل ارباب است که زودتر از آنچه فکر می‌کرد، برمی‌گردد. مباحث فکر می‌کند که زمان زیادی برای مرتب کردن کارها دارد، اما ارباب زودتر برگشت. در این یکی، مشکل برعکس است.

آنها فکر می‌کردند داماد فوراً می‌آید، اما او بیشتر از آنچه فکر می‌کردند تأخیر کرد. بنابراین شما دو دیدگاه دارید. هر دوی این تمثیل‌ها در مورد آمدن مسیح به ما می‌آموزند.

تمثیل شماره یک، متی ۲۴، بیان می‌کند که ما باید آماده باشیم زیرا ممکن است مسیح زودتر از آنچه فکر می‌کنیم بازگردد. اما فصل ۲۵ کاملاً برعکس می‌گوید، اما فکر نکنید که او خیلی زود برمی‌گردد. مسیح ممکن است بیشتر از آنچه فکر می‌کنیم تأخیر کند.

نکته این است که شما باید برای هر دو آماده باشید. شاگردان باید برای این آماده باشند که مبدا مسیح زودتر از آنچه فکر می‌کنند، حتی در طول زندگی‌شان، بازگردد. مبدا فکر کنند که همه نوع زمانی دارند، بلکه باید برای این آماده باشند که مسیح فوراً بیاید.

اما آنها همچنین باید برای تأخیر آماده باشند. ممکن است مسیح به محض اینکه آنها فکر می‌کنند برگردد. او ممکن است تأخیر کند.

اینها با گفته عیسی مطابقت دارد، و هیچ کس آن روز یا ساعت را نمی‌داند، حتی پسر انسان، جز پدر آسمانی. بنابراین، از آنجایی که هیچ کس نمی‌داند، ما نمی‌دانیم که آیا این اتفاق زودتر از آنچه فکر می‌کنیم خواهد افتاد. یا نه. ما نمی‌دانیم که آیا این اتفاق بیشتر از آنچه فکر می‌کنیم طول خواهد کشید یا نه.

قرار است تأخیر بیشتری وجود داشته باشد. ما باید برای هر دو موقعیت آماده باشیم. بقیه متی ۲۵، بقیه مثل‌ها، از جمله آن مثل معروف «گوسفندان و بزها» در انتهای فصل ۲۵، همگی به ما می‌آموزند که زندگی در پرتو بازگشت قریب‌الوقوع مسیح یا احتمال تأخیر به چه معناست.

بنابراین حتی در تمثیل‌های عیسی، تمثیل‌های عیسی دقیقاً برعکس می‌گویند، یعنی عیسی پایان را پیش‌بینی کرد، و اشتباه کرد. نه، عیسی تمثیلی گفت که در آن فکر می‌کرد ممکن است دوره تأخیری هم وجود داشته باشد مگر اینکه کسی بخواهد آن را به کلیسای بعدی نسبت دهد و نه به عیسی، که به نظر من نادرست است. من فکر می‌کنم همه این تمثیل‌ها توسط عیسی گفته شده‌اند.

عیسی همچنین جایی برای تأخیر قائل می‌شود. بله، عیسی می‌توانست به زودی، در طول عمر شاگردانش بازگردد و او انتظار داشت که آنها در فصل ۲۴ این موضوع را درک کنند و اینکه عیسی می‌تواند پس از وقوع

این اتفاقات بازگردد. اما او همچنین تأخیر را مجاز می‌داند، مبادا شاگردان فکر کنند که عیسی لزوماً در طول عمر آنها باز خواهد گشت، همانطور که عیسی به آنها یادآوری می‌کند، اما ممکن است مقداری تأخیر وجود داشته باشد.

و قوم خدا باید هوشیار باشند و برای هر دو سناریو آماده باشند. بنابراین، یک بار دیگر، هیچ چیز در باب‌های ۲۵ و ۲۴ که عیسی می‌گوید نباید ما را به این نتیجه برساند که عیسی پایان را پیش‌بینی کرده و بنابراین اشتباه ۲۴ کرده است.

«این گفته‌ی دکتر دیوید متیسون در آموزه‌هایش در مورد این سوال است که «بازگشت او به کجا است؟ جلسه ۲، تأخیر پاروسیا در آموزه‌های عیسی»